

دربارهء برخی ناهمگونی ها در زبان فارسی به ارتباط نوشتهء محمد

نبی عظیمی

دوست گرامی آقای نبی عظیمی !

بعد از تعارفات :

نشروپخش چنین مطالب راهگشا برای دورافتادگان از میهن ضروری و الزامی است. درباب درست نویسی در زبان

فارسی - دری بایسته است تا کارهای بنیادی صورت پذیرد ویر پایهء دانش زبان

زبان شناسی شیوهء نگارش زبان مشکل آفرین مان ، همگون و توحید گردد و از

هرج و مرج درنگارش پرهیز گردد. با دریغ که درایران و افغانستان دراین عرصه،

کار بنیادی صورت نپذیرفته است و پژوهشهای گوناگون دراین زمینه با پندار های

انفسی و اجتهاد های ناموجه علمی بوده است و یا توسل به فرهنگهای لغات که

هیچ یک از این دوره ، راه به دهی نبرده است. اتکاء به اواشناسی* و واج

شناسی ** است که میتواند مددی براین امرگردد و رهنمودی برای درست نوشتن. من با برخی از فیصله های

رسالهء " روش املاى دری " سرسازگاری ندارم و هنگام تسوید آن نیز مخالفتم را با برخی از مسایل ابراز داشتم .

ازآن جمله با نوشتن صایت (آ) یا (های غیرملفوظ) در واژگان زندگی و زندگانی که با اعتتام فرصت نظراتم را

باز خواهم نوشت. سی سال پیش از امروز که چنین رساله یی را برای دانشگاه کابل تهیه کرده بودم عدم توافق

خویش را با استاد الهام و استاد نگهت سعیدی که از هواداران این (های غیرملفوظ) درکلمات بودند ، اظهار

داشتم.

باری ، هرگامی که دراین راه گذاشته شود، سودمند است و صواب .

چند نکتهء کوتاه :



- 1: پس از وجه وصفی، کاربرد (واو عطف) جایز نیست. مثلاً وطن مالوف شان دورافتاده ویا... (سطر 2 نوشته تان) ، دراین مورد، باید یا کامه نهاد ویا وجه وصفی را به فعل ماضی تبدیل کرد، به گونه نمونه: " از وطن مالوف شان دورافتاده است ویا.. "
- 2: درست است که (را) باید همواره جدا از واژه پیشین نگاشته گردد؛ اما دلیل آن این است که (را) پیشینه است و حکم آن است که پیشینه ها *** را باید پیوست با واژگان نوشت.
- 3: ما واژگان تازی را که در ساختار خود (ط) دارند و در زبان فارسی دری از واژگان دخیل اند، به گونه تازیان می نویسیم؛ اما تمامی واژگان زبان های بیگانه دیگر را چنین واجی را ظاهراً ویا واریا واقعاً دارند، به این دلیل با حرف (ت) مینویسیم که (واج "ط") را در زبان خود نداریم و این یک حکم کلی است.
- 4: در مورد هست و است ، باید تأکید کرد که ظرافت معنایی آن دورا در نظر گرفت. این دو واژه که نخستین آن (موحودیت) را نشان میدهد و دومین تنها رابطه را نمودار میسازد، از مصدر های " هستن " و " استن " اشتقاق یافته اند و نباید یکی پنداشته شوند.
- 5: اقلأ واکثراً از این رو نادرست اند که در زبان تازی ، صفت فاعلی تتوین نمی پذیرد.
- 6: به ، حرف جر نیست . اصولاً لغزش برخی از استادان ایرانی حتی شادروان معین در مورد نامگذاری واژگان نامستقل منبعث از عدم آشنایی شان به دانش زبان شناسی است. و همان گونه که نوشته اید [به] باید با کلمه پیوست نوشته نشود. این پیشینه از " بد " پهلوی آمده است و کلمه نامستقل است نه حرف. چون حرف ، تنها همان علایم الفبا اند و یس.
- 7 : تغییر و تغییر به یک معنی نیستند ، اولی به معنای از حالی به حالی شدن و هم خشمگین شدن است و تغییر دگرگونی است که غالباً این دومی را به گونه اولی مینویسند و نادرست است.
- 8 : واژه شرایین را برای این باید با دو (ی) نوشت که بر اساس قاعده ، واژه گان عربی که بر وزن " افاعیل " و " مفاعیل " باشند ، همزه کلمات به (ی) بدل میگردد، مانند همین شرایین ویا مایل ، وسایل ، صایب و یا مصایب و همانند آنها . /
- به سلامت باشید ناظمی

*phoniticc

** Morphology

*** preposition : ها یزه او

admin@vatandar.at



مدیر مسوول : دیپلوم انجینر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز : انجینر نجیب یوسفی

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

بقیه گزیده های مقالات محمد نبی عظیمی

<http://www.vatandar.at/Nabiazimmi>

وطندار